

رابطه بین سبک های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزند-والد و خود کارآمدی با نگرش فرزندان نسبت به والدین آمنه خلعتبری^۱

گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران

تاریخ دریافت مقاله ۹۴/۷/۱۳ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۴/۹/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله ۹۴/۱۲/۱۸

چکیده

هدف این پژوهش تعیین رابطه بین سبک های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض والد - فرزند و خودکارآمدی با نگرش فرزندان به والدین است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان دوره متوسطه مشغول به تحصیل شهرستان تنکابن در سال ۹۵-۹۴ بود که به شیوه نمونه گیری تصادفی خوشه ای نمونه ای به حجم ۱۵۰ نمونه انتخاب شد. روش تحقیق همبستگی است. یافته ها نشان داد که: - چهار متغیر پرخاشگری پدر، استدلال مادر، پرخاشگری فیزیکی مادر و خودکارآمدی قدرت پیش بینی نگرش مثبت فرزند به پدر را داراست. - چهار متغیر پرخاشگری پدر، استدلال مادر، خودکارآمدی و پرخاشگری فرزند قدرت پیش بینی نگرش مثبت فرزند به مادر را داراست. در نتیجه می توان گفت: برای نگرش مثبت پدر بیش از همه پرخاشگری پدر و کمتر از همه خودکارآمدی قدرت پیش بینی را دارا است. ولی برای نگرش مثبت مادر بیش از همه پرخاشگری پدر و کمتر از همه پرخاشگری فرزند قدرت پیش بینی را دارا است.

کلید واژه گان: سبک دلبستگی، نگرش فرزندان - راهبرد حل تعارض والد - فرزندی خودکارآمدی.

مقدمه

این بازنمایی درونی، جزء مهمی از شخصیت می شود که به عنوان الگوی واقعی درونی، با یک رشته انتظارات درباره در دسترس بودن شخصیت های دلبستگی و احتمال فراهم آوردن حمایت در مواقع استرس، عمل می کند (برک؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۱)

مثلاً، نوجوانان دلبسته ایمن، مهارت های ذهنی بهتری دارند و از مهارت هایشان در حل مسائل، بهتر استفاده می کنند. و به عبارتی می توان انتظار داشت که چنین نوجوانانی در هنگام تعارض، از راهبرد حل تعارض و استدلال بهره می گیرند

هنگامی که والدین برای فرزندان یک محیط مطمئن و آرامش بخش فراهم می کنند، فرزندان نیز همه استعدادها و توانایی هایشان را بکار می گیرند و نتایج مطلوب از

نگرشها یک جنبه مهم از زندگی عاطفی و احساسی ما را تشکیل می دهند. نگرشها در خلاء شکل نمی گیرند، افراد با خصوصیات ویژه ای به دنیا می آیند و این ویژگیها در نگرشهای آنها تأثیر می گذارند. اما عوامل دیگری نیز هستند که حتی نقش مهمتری از زندگی افراد و شکل گیری نگرشهای آنها ایفاء می کند. آن دسته از کودکانی که با نگرشی مثبت و خوشایند نسبت به شخصیت های الگوهای بزرگسال (پدر، مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ و ...) پا به عرصه اجتماع می گذارند، در برقراری ارتباط با دیگران بسیار موفق هستند. درجه سهولتی که یک کودک در مانده توسط مراقب خود به احساس امنیت دست می یابد، کیفیت دلبستگی نامیده می شود. به عقیده بالبی (۱۹۸۰)

را همین ارتباطهای میان فردی تشکیل می دهد (وود ، ۱۹۹۸ ؛ به نقل دیباچی فروشانی ، ۱۳۸۷).

دلبستگی عبارتست از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاص در زندگی خود برقرار می کنیم طوری که باعث می شود وقتی با آنها تعامل می کنیم احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از اینکه آنها را در کنار خود داریم احساس آرامش کنیم (برک ، ترجمه سید محمدی ، ۱۳۸۱). زیربنای نظریه دلبستگی، مبحث روابط موضوعی است که در روان تحلیل گری مطرح شده است . در حالی که نظریه پردازان جدیدتر مانند بالبی و اینزورث از اصطلاح « دلبستگی » در بحث های نظری خود استفاده می کنند. روان تحلیل گران معتقدند نخستین روابط کودک، پایه و اساس شخصیت او را تشکیل می دهد. از نظر فروید نیاز زیستی پایه نیاز روانی است و کودکان خردسال موجوداتی دهانی هستند که از طریق مکیدن یا بردن اشیاء به دهان ارضاء می شوند و کودکان به کسی وابسته می - شوند که لذت دهانی آنان را فراهم سازد و وقتی که بزرگ تر می شوند، تغذیه زمان بندی شده، افزایش فواصل بین وعده ها و سر انجام از شیر گ رفتن، کودک را دچار اضطراب ناکامی می کند که عموماً با تردید نسبت به موضوع مهرورزی(مادر) و افزایش توانایی ایگو در دفاع از خود علیه محیط همراه است.

اگر در خانواده تنش بین اعضاء برقرار باشد ، کودک در یافتن هویت^۱ خویش ، ایجاد روابط مطلوب با دیگران ، مقابله صحیح با فشارهای روانی و رفتاری ، دچار مشکل خواهد شد.

گرچه تعارض معمولاً به شکل منفی در نظر گرفته می شود اما می تواند به طور مثبت هم به کیفیت روابط و هم به رشد شخصی کمک کند و این زمانی است که بتوان با شیوه

مساعی خود به خود بدست می آوردند . درگیری و تعارض ، گزینه ای برای تزلزل خانواده و برهم ریختن ارکان آن فراهم می سازد و کانون پرمهر و محبت را به محیطی سرد تبدیل می کند. محیط سرد برای فرزند ، محیط بی روح است. در آن احساس امنیت و شادابی ندارد. احساس می کند چنان محیطی برای او لذت بخش نیست و از فروغ عاطفه در آنها برای او خبری نیست احساس می کند در چنان محیطی بدبخت است و از آن رنج می برد چرا که فکر و ذهن او درگیر است. چنین افرادی در زندگی امیدی ندارند و احساس خوبی در زندگی خود ندارند و حرکتی از خود بروز نمی دهند

این نکته مهم را باید به خاطر سپرد که والدین با یکدیگر و با فرزندانیشان رابطه دارند. آنها به منزله سرچشمه های رفاه و حمایت جسمی و روحی متقابل می باشند. خانه ای که محیط آن ویژگی های چون نزاع ، سرزنش و ناسازگاری دارد بر والدین و فرزندان هر دو اثرات زیانباری می گذارد (شاور ، ۲۰۰۰).

شیوه های تنظیم عواطف و برقراری ارتباط با دیگران متفاوت است . نظریه دلبستگی این تفاوت های فردی را در کودکان و بزرگسالان تبیین می کند. بالبی مدعی شد که پاسخگویی والدین به نشانه های رفتار دلبستگی کودک و در دسترس بودن آن ها در موقعیت های استرس زا پایگاهی امن برای کودک فراهم می کند که بر اساس آن انتظارات وی از محیط سازماندهی می شود .

ارتباطات موثر موجب شکوفایی هویت و کمال انسان و مبنای اولیه پیوند وی با دیگران است ، این در حالی است که ارتباطات غیر موثر مانع شکوفایی انسان شده ، روابط را تخریب می کند ، بنابراین اساس زندگی و خوشبختی انسان

مشکلات ارتباطی و نگرش منفی به والدین رابطه ی مثبت وجود دارد. با توجه به آنچه گفته شد در پژوهش حاضر، رابطه ی سبک های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزند-والد با نگرش فرزندان نسبت به والدین مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مطالب فوق مسئله اساسی در پژوهش حاضر این است که :

- ۱- آیا بین سبکهای دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزند - والد و خودکارآمدی با نگرش فرزندان نسبت به مادر رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا بین سبکهای دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزند - والد و خودکارآمدی با نگرش فرزندان نسبت به پدر رابطه وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

خانواده کوچکترین رکن اجتماعی است ، اجتماعی که از خانواده های سالم تشکیل شده باشند ، مسلماً اجتماعی است سالم و شرط اینکه خانواده ای سالم باشد این است که افراد آن سالم باشند.

از نظر بشارت، شریفی و ایروانی (۱۳۸۰) آنهایی که سبک دلبستگی ناایمن دارند، بیشتر از آنهایی که سبک ایمن دارند از مکانیسم های دفاعی رشد نیافته نوروپیک استفاده می کنند و آنهایی که سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا دارند، بیش از آزمودنی هایی که سبک دلبستگی نا ایمن اجتنابی دریافت دارند از مکانیسم های دفاعی رشد نیافته و نوروپیک استفاده می کنند.

با توجه به مطالب بالا و اینکه وجود تعارض در هر رابطه ای اجتناب ناپذیر است و تحقیقات نیز از این ادعا حمایت

های صحیح و کارآمدی به حل تعارض پرداخت (اسمیت^۱ ، ۲۰۰۱).

از طرفی نیز سبکهای دلبستگی ، تعیین کننده قواعد عاطفی و شناختی و راهبردهایی هستند که واکنشهای هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می کنند. افراد ایمن ، اجتنابی و دوسوگرا برای نظم دهی و پردازش اطلاعات هیجانی راهبردهای متفاوتی را به کار می برند (شاور ، کولنیز و کلارک ، ۱۹۹۶).

افراد دارای سبکهای دلبستگی ایمنی برای نظم دهی به هیجانها از راهبردهایی سود می جویند که تنیدگی را به حداقل می رسانند و هیجانهای مثبت را فعال می سازند (میکولنیر^۲ و فلورین ، ۲۰۰۱). کودکان ایمن به دسترس پذیری مادر بیشتر اعتماد دارند و بیش از کودکان ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) از وی به عنوان پایگاه امن استفاده می کنند. هنگام بازگشت مادر پس از جدایی کوتاه مدت، کودکان ایمن با سهولت تماس و تعامل برقرار می کنند، کودکان اجتناب گر با گسستن و اجتناب ورزیدن واکنش نشان می دهند و کودکان دوسوگرا با افزایش تردید بین بازگشت و عصبانیت واکنش نشان می دهند.

وینی کات نیز مانند بالبی به نقش محرومیت و جدایی از موضوع دلبستگی تأکید کرده و آن را عامل مشکلات روانی می داند. او متذکر می شود که جدایی زودرس و قبل از دست یابی به تجهیزات عاطفی لازم به منظور مقابله با موقعیت ، موجب واکنش های افسردگی روان گسسته وار می شود. براساس نظریه وینی کات ، مبنای روان گسستگی کودک را باید در کجراهی رابطه سازشی متقابل مادر و کودک جستجو کرد (نقل از دادستان ، ۱۳۷۶).

کسکین (۲۰۰۸) که بین سبک دلبستگی ایمن و مشکلات ارتباطی، رابطه ی منفی و بین سبک دلبستگی نا ایمن با

2 . Mika lincer

1 . Smith

۹۵-۹۴ در مقطع دبیرستان و هنرستان مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه در پژوهش حاضر ۱۴۷ نفر از دانش آموز پسر دبیرستانها را شامل می شوند.

روش نمونه گیری در این پژوهش به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای مرحله ای بوده است. پس از مشخص شدن موضوع پژوهش با توجه به شیوه نمونه گیری مورد نظر که از نوع خوشه ای تصادفی تک مرحله ای به ادارات تابعه آموزش و پرورش شهرستان تنکابن رفته و مجوز اجرای پژوهش در دبیرستانها را گرفتم. بعد برای اجرای آزمون پس از تهیه نمونه ای از پرسشنامه ها و مراجعه به واحدهای دبیرستانی و انتخاب ۸ کلاس از هر یک از واحدها، ابتدا در مورد طرح پژوهشی توضیحاتی به دانش آموزان داده و آنها اطمینان خاطر داده شد که اطلاعات آنها محرمانه خواهد بود و پاسخگویی و صداقت آنان ما را در راستای اهداف پژوهشی یاری خواهد کرد و چون متغیر سن به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شده، بنابراین از آنها سناش سؤال و چنانچه سن آنها به رنج پرسشنامه خورد پرسشنامه ها بین آنها توزیع گردید. و برای اجرای پرسش نامه هم محدودیت زمانی در نظر گرفته نشد و از آنها خواسته شد به تمام سؤالات پاسخ دهند و بعد از تحویل پرسشنامه ها، در حضور آنها پرسش نامه چک شد و اگر سؤالی بدون پاسخ بود از آنها خواسته شد که دوباره سؤال مورد نظر را پاسخ دهند.

ابزار پژوهش

راهنمای مقیاس دلبستگی بزرگسالان (RAAS) (نسخه تجدید نظر شده)

مقیاس دلبستگی بزرگسالان ابتدا در سال ۱۹۹۰ به وسیله کالینز و رید تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار

می کنند که تعارض جزئی از روابط والدین - فرزندان است.

تعارضات بیشتر بین فرزندان و مادر است تا پدر، به ویژه در بین دختران و مادران شایع است (به نقل آلیسون و جیرسین، ۲۰۰۴).

بالز^۱ (۲۰۰۰) عقیده دارد تعارض مادر و دختر، زمانی که دختر سنین ۱۳ تا ۱۹ سالگی را می گذراند بیشتر تکرار می شود.

فرضیه ها

۱- بین سبکهای دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزند - والد و خودکارآمدی با نگرش فرزندان نسبت به مادر رابطه وجود دارد.

۲- بین سبکهای دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزند - والد و خودکارآمدی با نگرش فرزندان نسبت به پدر رابطه وجود دارد.

روش

طرح تحقیق در پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد. و با توجه به اینکه لیندمن و همکاران (۱۹۸۰) قویاً تأکید می کنند که حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیری باید دست کم ۱۰۰ و یا دست کم ۱۰ یا ۲۰ برابر متغیرها باشد (به نقل هومن، ۱۳۸۰).

جامعه آماری به کلیه افراد، اشیاء یا رویدادهای گفته می شود که حداقل در یک صفت مشترک باشند، معمولاً مجموعه ای حقیقی یا فرضی است که نتایج پژوهش به آن انتقال داده می شود (خلعتبری، ۱۳۸۵).

جامعه پژوهش حاضر متشکل از ۳۲۰۰ نفر دانش آموزان پسر دبیرستانهای شهرستان تنکابن که در سال تحصیلی

گرفت. مبنای نظری آن، این آزمون نظریه دلبستگی است. مقیاس دلبستگی بزرگسالان که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را مورد بررسی قرار می دهد، دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می کنند.

مقیاس راهبردهای حل تعارض با پدر و مادر موری ای اشتراک (۱۹۹۰)

این مقیاس یک ابزار سؤالی است که برای سنجش سه راهبرد حل تعارض یعنی استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی با خلوت - بین فرزندان و والدین تدوین شده است. پرسشهای مقیاس گویای رفتارهایی است که فرد در شرایط تعارض با والدین به آنها دست می زند و نمرات آن تعداد دفعاتی است که رفتار مورد نظر در سال گذشته رخ داده است. پاسخدهنده دفعات بروز هر رفتار توسط خودش و طرف دیگر تعارض را ارزیابی می کند. نمره گذاری این مقیاس نیز به صورت تراکمی بوده با این صورت که با جمع نمرات پرسشها بدست می آید. نمرات زیر استدلالی از پرسشهای ۱ تا ۵ بدست می آید. نمرات پرخاشگری کلامی با جمع پرسشهای ۶ تا ۱۰ و پرخاشگری فیزیکی با جمع پرسشهای ۱۱ تا ۱۴ بدست می آید، دامنه نمرات تا ۱۵ می باشد که نمرات بالاتر به معنی استفاده بیشتر از یک راهبرد بخصوص است.

پرسشنامه ی خودکارآمدی عمومی شرر

توسط شرر و همکارانش در سال ۱۹۸۲ ساخته شد. این پرسشنامه، عقاید فرد مربوط به توانایی اش برای غلبه بر موقعیت های مختلف را اندازه گیری می کند. شرر (۱۹۸۲) از مجموع مطالعات خود به دنبال ایجاد روشی برای اندازه گیری خودکارآمدی، که اختصاص به موقعیت خاصی از رفتار نداشته باشد، بود. نمونه اصلی مورد مطالعه برای

ساخت آزمون شامل ۳۷۶ دانشجوی رشته روانشناسی بود که می بایست به تکمیل مقیاس خودکارآمدی و ۶ مقیاس شخصیتی می پرداختند. آزمودنی ها باید میزان موافقت خود را با هر یک از پرسش های آزمون خودکارآمدی با انتخاب یکی از گزینهها مشخص می کردند. ماده های آزمون خودکارآمدی برای اندازه گیری انتظارات خودکارآمدی عمومی مواردی مانند مهارت های اجتماعی یا شایستگی های حرفه ای گذشته است. این موارد به موضوعات زیر متمرکز است:

الف) گرایش به آغاز گری رفتار؛

ب) تمایل به تکمیل رفتار

ج) پافشاری در انجام تکالیف در صورت ناکامی (باسچر و اسمیت، ۱۹۹۸).

مقیاس نگرش فرزند نسبت به والدین - والتر دبلیو.

هودسن (۱۹۹۶)

این مقیاس یک ابزار ۲۵ سؤالی می باشد که برای اندازه گیری دامنه، میزان یا شدت مشکلات فرزند با والدین تدوین شده است و مشکلات رابطه ولی - فرزندی را از دید فرزند اندازه گیری می کند و دو نمره برش دارد. اول نمره ۳۰ (±۵) به نمرات زیر این نقطه نشان فقدان مشکل مهم بالینی در این زمینه است. نمرات بالای ۳۰ به منزله وجود مشکل است که از نظر بالینی معنا دار تلقی نمی شود. نمره دوم برش ۷۰ است.

نمره گذاری این مقیاس نیز به این صورت است که ابتدا سؤالهای ۲، ۳۸، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۴ معکوس نمره گذاری می شوند. نمرات جمع می شوند و از نمره سؤالات کامل شده کم می شود این رقم در ۱۰۰ ضرب می شوند و تقسیم بر تعداد سؤالهای کامل شده ضرب در ۶ می گردد. نتیجه نمره ای خواهد بود بین ۰ تا ۱۰۰ که نمرات بزرگتر نشانه وسعت یا شدت بیشتر مشکلات است.

یافته ها

خودم در پرخاشگری فیزیکی، نمره مادر در استدلال، نمره مادر در پرخاشگری کلامی، نمره مادر در پرخاشگری فیزیکی، نمره خودم در استدلال، نمره خودم در پرخاشگری کلامی، نمره خودم در پرخاشگری فیزیکی (با نگرش فرزندان نسبت به والدین (نگرش در مورد پدر، نگرش در مورد مادر).

مشخصه های آماری متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نمایش داده شده است .

جدول ۱ مشخصه های آماری متغیرهای سبک های دلبستگی (سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دو سوگرا) و راهبردهای حل تعارض فرزند - والد (نمره پدر در استدلال، نمره پدر در پرخاشگری کلامی، نمره پدر در پرخاشگری فیزیکی، نمره خودم در استدلال، نمره خودم در پرخاشگری کلامی، نمره

جدول ۱. جدول میانگین و انحراف معیار متغیرهای نگرش فرزند مادر، دلبستگی ایمن، دلبستگی دو سو گر، دلبستگی اجتنابی، استدلال پدر، پرخاشگری پدر، پرخاشگری فیزیکی پدر، استدلال فرزند، پرخاشگری فرزند، پرخاشگری فیزیکی فرزند، استدلال مادر، پرخاشگری کلامی

مادر، پرخاشگری فیزیکی مادر، خودکارآمدی

متغیر	SD	M	N	
۳۷/۹۷۵	۱۰/۸۷۷	۱۴۶	نگرش فرزند مادر	
۸/۲۲	۱۵/۸۸	۱۴۶	دلبستگی ایمن	
۱۶/۳۴	۱۵/۶	۱۴۶	دلبستگی دو سو گر	
۶/۳۵	۱۶/۳۲	۱۴۶	دلبستگی اجتنابی	
۱۶/۷۵	۱۵/۶۱	۱۴۶	استدلال پدر	
۱۶/۷۵	۱۵/۶۱	۱۴۶	پرخاشگری پدر	
۷/۱۴	۱۱/۲۰	۱۴۶	پرخاشگری فیزیکی پدر	
۶/۳۹	۱۵/۳۶	۱۴۶	استدلال فرزند	
۶/۷۰۲	۱۵/۴۷	۱۴۶	پرخاشگری فرزند	
۵/۱۲	۹/۵۹	۱۴۶	پرخاشگری فیزیکی فرزند	
۵/۱۴	۹۰/۷۹	۱۴۶	استدلال مادر	
۵/۲۹	۸/۵۸	۱۴۶	پرخاشگری کلامی مادر	
۵/۶۵	۹/۲۵	۱۴۶	پرخاشگری فیزیکی مادر	
۱۸/۳۸	۳۸/۱۸	۱۴۶	خودکارآمدی	

جدول ۲: خلاصه تحلیل رگرسیون برای متغیر پرخاشگری پدر

sig	F	MS	df	SS	منابع تغییرات گروهها
۰/۰۰۰	۸۲/۸۵	۷۶۳۶۹/۲۸۸	۱	۷۶۳۶۹/۲۸۸	پرخاشگری پدر
		۹۲۱/۷۳۸	۱۴۴	۱۳۲۷۳۰/۲۵۳	باقیمانده
			۱۴۵	۲۰۹۰۹۹/۵۴۱	کل

جدول ۳: خلاصه تحلیل رگرسیون برای متغیر های پرخاشگری پدر و استدلال مادر

sig	F	MS	df	SS	منابع تغییرات گروهها
۰/۰۰۰	۵۸/۱۱	۴۶۸۷۴/۱۶۳	۲	۹۳۷۴۸/۳۲۶	پرخاشگری پدر و استدلال مادر
		۸۰۶/۶۵۲	۱۴۳	۱۱۵۳۵۱/۲۱۵	باقیمانده
			۱۴۵	۲۰۹۰۹۹/۵۴۱	کل

جدول ۴: خلاصه تحلیل رگرسیون برای متغیر های پرخاشگری پدر و استدلال مادر و خودکارآمدی

sig	F	MS	df	SS	منابع تغییرات گروهها
۰/۰۰۰	۴۵/۹۳۲	۳۴۳۲۶/۴۲۹	۳	۱۰۲۹۷۹/۲۸۸	پرخاشگری پدر و استدلال مادر و خودکارآمدی
		۷۴۷/۳۲۶	۱۴۲	۱۰۶۱۲۰/۲۵۳	باقیمانده
			۱۴۵	۲۰۹۰۹۹/۵۴۱	کل

جدول ۵: خلاصه تحلیل رگرسیون برای متغیر های پرخاشگری پدر و استدلال مادر و خودکارآمدی و پرخاشگری فیزیکی مادر

sig	F	MS	df	SS	منابع تغییرات گروهها
۰/۰۰۰	۳۸/۷۶۴	۲۷۳۷۸/۴۴۹	۴	۱۰۹۵۵۱۳/۷۹۵	پرخاشگری پدر و استدلال مادر و خودکارآمدی و پرخاشگری فیزیکی مادر
		۷۰۶/۲۸۲	۱۴۱	۹۹۵۸۵/۷۴۶	باقیمانده
			۱۴۵	۲۰۹۰۹۹/۵۴۱	کل

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود که سطح معنی دار F برابر با $0/0005$ است که از سطح آلفا $0/01$ کوچکتر است و با احتمال $0/99$ بیان می کنیم که احساس پرخاشگری پیش بینی نگرش مثبت به مادر را دارا است.

$$F_{(1,144)} = 82/85, P < 0/01$$

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود که سطح معنی دار F برابر با $0/0005$ است که از سطح آلفا $0/01$ کوچکتر است و با احتمال $0/99$ بیان می کنیم که پرخاشگری پدر واستدلال مادر قدرت پیش بینی نگرش مثبت به مادر را دارا است.

$$F_{(2,143)} = 58/11, P < 0/01$$

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می شود که سطح معنی دار F برابر با $0/0005$ است که از سطح آلفا $0/01$ کوچکتر است و با احتمال $0/99$ بیان می کنیم که پرخاشگری پدر واستدلال مادر و خودکارآمدی قدرت پیش بینی نگرش مثبت به مادر را دارا است.

$$F_{(3,142)} = 45/932, P < 0/01$$

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می شود که سطح معنی دار F برابر با $0/0005$ است که از سطح آلفا $0/01$ کوچکتر است و با احتمال $0/99$ بیان می کنیم که پرخاشگری پدر، استدلال مادر، خودکارآمدی و پرخاشگری فیزیکی مادر پیش بینی نگرش مثبت به مادر را دارا است.

$$F_{(4,141)} = 38/764, P < 0/01$$

جدول ۶. جدول میانگین و انحراف معیار متغیرهای نگرش فرزند پدر، دلبستگی ایمن، دلبستگی دو سو گر، دلبستگی اجتنابی، استدلال پدر، پرخاشگری فیزیکی پدر، استدلال فرزند، پرخاشگری فرزند، پرخاشگری فیزیکی فرزند، استدلال مادر، پرخاشگری کلامی مادر، پرخاشگری فیزیکی مادر، خودکارآمدی

متغیر SD	M	N	
38/014	109/83	145	نگرش فرزند پدر
۸/۱۶۷	15/79	145	دلبستگی ایمن
۱۶/۳۹	15/63	145	دلبستگی دو سو گر
6/35	16/35	145	دلبستگی اجتنابی
7/113	11/27	145	استدلال پدر
6/36	10/42	145	پرخاشگری فیزیکی پدر
6/61	15/37	145	استدلال فرزند
5/14	9/6	145	پرخاشگری فرزند
5/114	9/84	145	پرخاشگری فیزیکی فرزند
6/75	15/32	145	استدلال مادر
5/301	8/61	145	پرخاشگری کلامی مادر
5/65	9/3	145	پرخاشگری فیزیکی مادر
18/445	38/18	145	خودکارآمدی

جدول ۷. خلاصه تحلیل رگرسیون برای متغیر پرخاشگری پدر

sig	F	MS	df	ss	منابع تغییرات گروهها
		۸۱۴۶/۶۷۱	۱	۸۱۴۶/۶۷۱	پرخاشگری پدر
۰/۰۰۰	۱۰۵/۰۹۰	۸۳۸/۷۶۹	۱۴۳	۱۱۹۴۴/۰۱۸	باقیمانده
			۱۴۴	۲۰۸۰۹۰/۶۹	کل

جدول ۸. خلاصه تحلیل رگرسیون برای متغیر های پرخاشگری پدر و استدلال مادر

sig	F	MS	df	ss	منابع تغییرات گروهها
		۵۲۶۰۷/۴۳۷	۲	۱۰۵۲۱۴/۸۷۴	پرخاشگری پدر و استدلال مادر
/۰۰۰	۷۲/۶۱۴	۷۲۴/۴۷۸	۱۴۲	۱۰۲۸۷۵/۸۱۵	باقیمانده
			۱۴۴	۲۰۸۰۹۰/۶۹	کل

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می شود که سطح معنی دار F برابر با $۰/۰۰۰۵$ است که از سطح آلفا $۰/۰۱$ کوچکتر است و با احتمال $۰/۹۹$ بیان می کنیم که احساس پرخاشگری قدرت پیش بینی نگرش مثبت به پدر را دارا است.

$$F_{(1,143)}=105/09, P< 0/01$$

همانطور که در جدول ۸ مشاهده می شود که سطح معنی دار F برابر با $۰/۰۰۰۵$ است که از سطح آلفا $۰/۰۱$ کوچکتر است و با احتمال $۰/۹۹$ بیان می کنیم که احساس پرخاشگری و استدلال مادر قدرت پیش بینی نگرش مثبت به پدر را دارا است.

$$F_{(2,142)}=72/61, P< 1$$

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود ۴ متغیر پیش توانسته است نگرش به پدر را پیش بینی کند، متغیر اول پرخاشگری پدر است که توانسته ۴۲ درصد متغیر نگرش به پدر را پیش بینی کند و وقتی متغیر استدلال مادر به آن اضافه می شود مقدار پیش بینی $۴۹/۹$ درصد است یعنی استدلال مادر $۷/۹$ درصد می تواند نگرش مثبت به پدر را پیش بینی نماید و همچنین زمانی که پرخاشگری فیزیکی مادر به آنها اضافه می شود قدرت پیش بینی آن $۵۲/۵$ درصد می رسد که این نشان می دهد که پرخاشگری فیزیکی مادر $۲/۶$ درصد می تواند نگرش مثبت به پدر را پیش بینی کند و اگر خودکارآمدی نیز به آنها اضافه شود مقدار پیش بینی به ۵۴ درصد می رسد که این نشان که خودکارآمدی می تواند $۱/۵$ درصد نگرش مثبت به پدر را پیش بینی کند.

جدول ۹. خلاصه تحلیل رگرسیون برای متغیرهای پرخاشگری پدر و استدلال مادر و خودکارآمدی

منابع تغییرات گروهها	SS	df	MS	F	sig
پرخاشگری پدر	۱۱۵۰۷۸/۲۳۷	۳	۲۸۸۷۹/۴۲۹		
استدلال مادروخ	۹۳۰۱۲/۴۵۳	۱۴۱	۶۶۴/۳۷۵	۴۳/۳۰۳	۰/۰۰۰
باقیمانده					
کل	۲۰۸۰۹۰/۶۹	۱۴۴			

جدول ۱۰. خلاصه تحلیل رگرسیون برای متغیرهای پرخاشگری پدر و استدلال مادر و خودکارآمدی و پرخاشگری فیزیکی مادر

منابع تغییرات گروهها	SS	df	MS	F	sig
پرخاشگری پدر	۱۱۲۲۲/۷۱۵	۴	۳۷۰۷۴/۲۳۸		
استدلال مادروخ خودکارآمدی	۹۶۸۶۷/۹۷۵	۱۴۰	۶۷۸/۰۰۷	۵۳/۹۶۵	۰/۰۰۰
پرخاشگری فیزیکی مادر					
باقیمانده					
کل	۲۰۸۰۹۰/۶۹	۱۴۴			

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اصلی این پژوهش مبنی بر اینکه بین سبکهای دلبستگی و راهبردهای حل تعارض فرزند - والدو خودکارآمدی با نگرش فرزندان نسبت به مادر و پدردر دانش آموزان پسر شهرستان تنکابن رابطه وجود دارد مورد تأیید قرار گرفت.

شاوور و همکاران (۱۹۹۶) بیان کردند که سبکهای دلبستگی تعیین کننده قواعد منطقی و شناختی و راهبردهایی هستند که واکنشهای هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می کنند.

بالبی (۱۹۶۹) بیان کرد که دلبستگی نگاهدارنده نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل زندگی است و پیوند فرزند و مادر حاصل فعالیت تعدادی از سیستمهای رفتاری است که در نزدیکی و مجاورت به مادر یک نتیجه قابل پیش بینی است.

همانطور که در جدول ۹ مشاهده می شود که سطح معنی دار F برابر با $۰/۰۰۰۵$ است که از سطح آلفا $۰/۰۱$ کوچکتر است و با احتمال $۰/۹۹$ بیان می کنیم که احساس پرخاشگری، استدلال مادر، خودکارآمدی قدرت پیش بینی نگرش مثبت به پدر را دارا است.

$$F_{(۳,۱۴۱)} = ۴۳/۳۰۳, P < 0/01$$

همانطور که در جدول ۱۰ مشاهده می شود که سطح معنی دار F برابر با $۰/۰۰۰۵$ است که از سطح آلفا $۰/۰۱$ کوچکتر است و با احتمال $۰/۹۹$ بیان می کنیم که احساس پرخاشگری، استدلال مادر، خودکارآمدی و پرخاشگری فیزیکی مادر پیش بینی نگرش مثبت به پدر را دارا است.

$$F_{(۴,۱۴۰)} = ۵۳/۹۶, P < 0/01$$

بطور کلی با استفاده از یافته های این تحقیق دانش آموزانی که از سبکهای دلبستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) استفاده می کنند، راهبردهای استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی تحت عنوان راهبردهای حل تعارض را بکار می گیرند و دارای نگرشهای شناختی، عاطفی و رفتاری نسبت به هر یک از والدین خود می باشند. بنابراین نتایج نشان داد که از میان سبک های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) سبک دلبستگی دوسوگرا و از میان راهبردهای حل تعارض تمام راهبردها بیشترین تأثیر را در نگرش دارند.

بسیاری از صاحب نظران از جمله آنیس ورث در تحقیقات خود بیان کردند که دلبستگی نوجوانان و بزرگسالان عامل بالقوه ای جهت الزام والدین در کنار یکدیگر ماندن برای مراقبت و ایمنی آنها می شود. و یا هازان و شیور بیان کردند که هر یک از سبک های دلبستگی با نوع روابط رمانتیک می تواند مرتبط باشد.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های لاولر و همکاران (۲۰۰۶)، بشارت و همکاران (۱۳۸۴)، ثابت قدم (۱۳۷۳) هماهنگ است.

با توجه به موارد عنوان شده نتیجه اینکه دانش آموزانی که احساس خود را درباره ی روابط خانوادگی به صورت دوستانه و عاشقانه بیان کرده اند، نگرش مثبتی نسبت به هر یک از والدین خود داشته و برای ارتباط صمیمانه و مؤثر ارزش قائل اند. به بیان دیگر دانش آموزانی که از روابط با والدین خود رضایت دارند. بنابراین نتایج نشان داد که از میان سبک های دلبستگی به ترتیب سبک دوسوگرا، ایمن و اجتنابی بیشترین تأثیر را در نگرش دارند. نتایج این پژوهش با پژوهش های، کسکین (۲۰۰۹) هماهنگ می باشد.

نتایج این تحقیق با نتایج پژوهشهای لاولر و همکاران (۲۰۰۸) کسکین (۲۰۰۹)، بشارت و همکاران (۱۳۸۴) هماهنگی دارد.

با توجه به نتایج این تحقیق می توان گفت که دانش آموزان دبیرستانی مورد پژوهش دارای سبکهای هستند که با دیگران به آسانی رابطه برقرار می کنند، بی دلیل نگران طرد شدن نیستند و از ارتباطات با دیگران لذت می برند (دلبستگی ایمن)، هم هنگام برقراری ارتباط با دیگران مضطرب شده تمایلی به اتکاء به دیگران نشان نمی دهند و کناره گیر و غیرمسئول هستند (دلبستگی اجتنابی)، هم نگران هستند که کسی به آنها علاقمند نباشد و تمایل دارند به نزدیک زندگی خود کاملاً تکیه کنند و مضطرب و نامطمئن هستند (دلبستگی دوسوگرا)

ثناپی ذاکر (۱۳۷۹) بیان کرد که راهبردهای حل تعارض شامل رفتارهای که فرد، در شرایط با اعضای خانواده به آنها دست می زند.

با توجه به نتایج این تحقیق می توان گفت که دانش آموزان دبیرستانی مورد پژوهش از راهبردهایی از قبیل استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی در رفتارهای خود با اعضای خانواده استفاده می کنند.

افروز (۱۳۸۲) بیان کرد که آن دسته از کودکانی که با نگرشی کاملاً مثبت و خوشایند نیست به شخصیتهای الگوهای بزرگسال (پدر - مادر) پا به عرصه اجتماع می گذارند، در برقراری ارتباط با دیگران بسیار موفق هستند. نتایج این تحقیق با نتایج پژوهشهای، کسکین (۲۰۰۹) و ثابت قدم (۱۳۷۳) هماهنگ است.

با توجه به نتایج می توان گفت که دانش آموزان دبیرستانی این پژوهش کسانی هستند که نسبت به هر یک از والدین خود از سه عنصر به هم پیوسته نگرشی (شناختی، عاطفی و رفتاری) برخوردارند.

فرزندان. پایان نامه ی چاپ نشده ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۰). تحلیل داده های چند متغیری در پژوهش رفتاری. تهران: پارسا.

- Allison, B. N., & Jearlyn, B. S. (2004). parent – adolescent conflict in early adolescence. Journal Article Excerpt: 39. 180-139.
- Bales, N. (2000). All about families. Jun 14. Vol.5, No.21.
- Bowlby, I. (1969/1982). Attachment and loss: Vol. 1. Attachment (2nd ed.). New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1969). Attachment and loss: Vol. I. Attachment. London: The Hogarth press and Institute of psycho Analysis.
- Keskin, G. (2008) Relationship between mental health, parental attitude and attachment style in adolescence. Annual Journal of Psychiatry. (Anadolu psikiyatri dergisi). Vol.9, No.3, 139-147.
- Lawler- Row, K., Younger, Jarred W, Piferi Rachel I, Jones, Warrens (2006). The role of adult attachment style in forgiveness following an interpersonal offense. Journal of Counseling & Development. 84, 4, 493-502.
- Pederson. D., Moran, G (1996). Expressions of the attachment relationship outside of the strange situation. Child Development, 67, 915-927.
- Mikulincer, M., & Florin, V. (2001). Attachment style and affect regulation : implications for coping with stress and mental health. In G. J. O. Fletcher & M. S. Clark (eds). Blackwell handbook of social psychology: Interpersonal processes. (P.P.537-557). Oxford : Blackwell.
- Shaver, P. R., Collins, N., & Clark, C. L. (1999). Attachment styles and internal working models of self and relationship patterns. In G. J. O. Fletcher & J. Fitness (eds). Knowledge construction in close relationships: a socio psychological approach. (P.P.25-61). Mahwah, N. J: Erlbaum
- Shaver, P., Hazan, C., & Bradshaw, D. (1988). Love as attachment: The integration of three behavioral systems. In R. J. Sternberg &

نتیجه اینکه دانش آموزانی که در هنگام بروز تعارض بین خود و والدین کارهایی را انجام می دهند و با در نظر گرفتن تمامی اختلافات اخیر که فرد در هر وضعیت تعارضی، یک بار با پدر و یک بار با مادر به طور جداگانه داشته، از راهبردهای مناسبی استفاده کرده، از نگرش مثبت نسبت به هر یک از والدین خود برخوردار می باشد. بنابراین نتایج نشان داد که از میان راهبردهای حل تعارض راهبرد خودم در استدلال، پرخاشگری فیزیکی مادر و پرخاشگری فیزیکی خودم بیشترین تأثیر را در نگرش دارند.

منابع

- برک، لورا، ای (۲۰۰۱). روان شناسی رشد. ترجمه ی یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۱). تهران: ارسباران.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۵). تبیین اختلالات شخصیت براساس نظریه دلبستگی. روان شناسی معاصر. پاییز، ۱ (۲)، ۴۴-۴۱.
- بشارت، محمدعلی، شریفی، ماندانا و ایروانی، محمد. (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک های دلبستگی و مکانیسم های دفاعی. مجله روان شناسی، پاییز. ۵ (۳) (پیاپی ۱۹)، ۲۷۷-۲۸۹.
- ثنائی ذاکر، باقر. (۱۳۷۹). مقیاس سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.
- ثابت قدم، صدیقه. (۱۳۷۳). بررسی مقایسه ای نگرش دانش آموزان دختر و پسر مدارس راهنمایی نسبت به رفتار والدین با آنها در سن بلوغ در مناطق ۱۹ گانه آموزش و پرورش تهران. پایان نامه ی چاپ نشده ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- خلعتبری، جواد. (۱۳۸۷). آمار و روش تحقیق. تهران: نشر پردازش
- دادستان، پریخ. (۱۳۷۶). روانشناسی مرض تحولی از کودکی تا بزرگسالی. تهران: انتشارات سمت
- دیباجی فروشانی، فاطمه سادات. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر نقش روابط بین والدین نظیر رضایت زناشویی، راهبردهای حل تعارض و سبک های دلبستگی آنان بر پیشرفت تحصیلی

M. Barnes (Eds.), *The psychology of love* (P.P. 68-99). New Haven, CT: Yale University Press.

- Shaver, P., Hazan, C., & Bradshaw, D. (1988). Love as attachment: The integration of three behavioral systems. In R. J. Stenberg and M. L. Barnes (Eds.), *The Psychology of love*, (P.P. 69-99). New Haven, CT: Yale University Press.

- Smith, S. B. (2001). Resolving conflict realistically in today's health care environment. *Journal of Psychosocial Nursing*, Vol.39, (11): 37.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 7, No. 1, spring 2016, No 25



Journal of Educational
Psychology

The relationship between attachment styles and child-parent conflict resolution strategies and self-efficacy with the attitudes of children toward parents

Ameneh Khalatbari^{1*}

Department of Psychology, Islamic Azad University, Tonekabon Branch, Tonekabon, Iran

Abstract

This study aims to determine the relationship between attachment styles and child-parent conflict resolution strategies and self-efficacy with the attitudes of children toward parents. Statistical population was of all high school students in Tonekabon city in 2015-2016 who were selected as the cluster sampling method with a size of 150 samples. The research method is correlational. The results showed that:- Four variables of father's aggression, mother's argument, physical aggression of mother and self-efficiency of prediction power has the positive attitude of child towards father.- Four variables of father's aggression, mother's argument, self-efficiency and child's aggression has the prediction power of child's positive attitude towards mother. As a result, it can be said that: For a positive attitude of father, his aggression has the highest prediction power and self-efficiency has the least prediction power. However, for the positive attitude of mother, father's aggression has the highest prediction power and child's aggression has the least prediction power.

Key words: Attachment Style; Children's Attitude; Strategy of Parent Conflict Resolution - Child Self-Efficacy.
